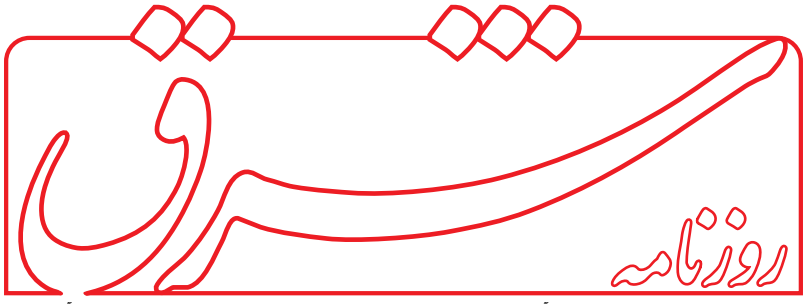




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، شماره: ۷۱۹-۸۸۸۸، تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، پخ زرین شماره ۴ - تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۷ اذان مغرب ۱۹:۴۹ اذان صبح فردا ۵:۱۶ طلوع آفتاب ۶:۴۲

شوق



پنجشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۰ - جمادی‌الاول ۱۴۳۲ - ۷ آوریل ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۲۱۵ - شماره ۲۹۱ دوره جدید - ۱۲ صفحه - ۲۲ صفحه ضمیمه آخر هفته شرق

دیدار آنجلینا جولی با آوارگان لیبی و تونس



آنجلینا جولی بازیگر آمریکایی به دیدار آوارگان مستقر در مرز میان لیبی و تونس رفت. به گزارش مهر، به نقل از هالیوود ریپورتر، آنجلینا جولی که در فعالیت‌های بشردوستانه‌ دستنی دارد روز سه‌شنبه به ملاقات آوارگانی رفت که از آغاز درگیری‌ها در لیبی به مرز این کشور با تونس پناه آورده‌اند. این بازیگر که سفیر حسن‌نیت سازمان ملل در امور آوارگان است، روز جمعه در دوار دوگاه پناه‌جویان حاضر شد و سپس به ملاقات مسؤولان سازمان ملل در منطقه رفت.

مکت

صفرها باید مرخص شوند



مهدی تقوی

■ این روزها صحبت از حذف صفرها؛ از اسکناس زیاد شنیده می‌شود. در کوچه و خیابان و در بازار و هر جا که حضور می‌یابی همه در رابطه با حذف صفرها سخن می‌گویندو گروهی حتی با نگرانی از صفرها حرف می‌زنند. برای همین بعضی وقت‌ها احساس می‌کنی که قرار است اتفاقی خاص و غیره منتظره رخ دهد، من فکر می‌کنم که باید نگاه را به ماجرای حذف صفرها تغییر داد. این کار نه برای نخستین بار می‌خواهد تجربه شودو نه زبانی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود. بعد از جنگ جهانی دوم آلمان‌ها با درایت تمام این کار را انجام دادند. در آن روزگار به خاطر تورم شدید، پول آلمانی بی‌ارزش شده بود. آلمانی‌ها می‌گفتند ما قبل از جنگ یک مارک می‌دادیم و یک گونی سیب‌زمینی می‌گرفتم اما حالا باید یک گونی مارک بدهیم و یک کیلو سیب‌زمینی بگیریم. برای همین صفرهای مارک اخراج شد. چون به طور طبیعی وقتی ارزش پول کاهش می‌یابد اسکناس‌هایی ارزش می‌شوند و باید برای جبران این روند اقدام موثر انجام داد. البته آمریکایی‌ها هم این کار را انجام دادند. در آمریکای لاتین که نزدیک پنج بار صفرهای پول دستکاری شد یا حتی واحد پول نیز تغییر کرد. مثلاً ریال داشتن و آن را به ریاله تغییر دادند. در کنار گوش ما ترکیه هم صفرهای پول خود را مرخص کرد. زمانی در ترکیه یک اسکنان قهوه می‌خوردی و ۱/۵ میلیون لیر پرداخت می‌کردی. ترک‌ها شش صفر پول خود را برداشتند و تا حد بسیار زیادی قیمت‌ها تعدیل شد. در پول ترکیه اتفاق مثبت دیگری هم افتاد و آن هم رواج سکه بود. سکه از فرسوده شدن پول جلوگیری می‌کند. بانک مرکزی در ایران نیز اقدام خوبی که انجام داد تبدیل برخی از پول‌ها به سکه بود. این کار حجم مبادله را کاهش می‌دهد و از افزایش هزینه تولید پول جلوگیری می‌کند. امروز وقتی به پول‌های کاغذی خود نگاه می‌کنیم خنده‌دار است. هر گوشه‌ای را با چسب وصله کر دند. برای همین رواج سکه پیش در آمد خوبی برای حذف صفرها نیز محسوب می‌شود. در کل نباید از حذف صفرها واهمه داشت. این اقدام مثبتی است هم برای تقویت ارزش پول و هم برای بهینه‌سازی شکل پول‌های کشور که بدون تعارف به یک لکه ناخوشایند تبدیل شده است. به نظر من بهیوده است که ا فشار مختلف مردم از ماجرای حذف صفرها احساس نگرانی می‌کنند. م‌باید این تجربه را کسب کنیم و در برنامه‌های اقتصادی خود قرار دهیم.

«عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی»

اتفاق

وقتی خودروها باروی فرش آدم‌های گذارند
■ این یک واقعیت است؛ این روزها بسیار دیده می‌شود که خودروها از سر و کول خیابان‌ها بالا می‌روند و حتی از آدم‌ها جلو می‌زنند یا به تعبیر بهتر پایشان را روی فرش خانه‌ها دراز می‌کنند. این هم البته از لطف تولید بدون چفت و بست خودروسازهای ایرانی است. می‌گویند در کشورهای توسعه‌یافته تولید خودرو از جغرافیای شهرسازی و روند رشد جمعیت تبعیت می‌کند اما در ایران ظاهراً به دلیل وجود بازار انحصاری، تولید خودرو فقط تابعی از سود بیشتر است. به خاطر همین در نهایت کار به جایی می‌رسد که کارشناسان می‌گویند؛ صنعت خودرو به جای کمک به توسعه سرمایه‌های ملی را هدر می‌دهد. البته این ادعا شاید موجب ناراحتی خودروسازان شود اما نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که تولید خودرو در ایران از هیچ‌ایده صنعتی دیگری تبعیت نمی‌کند. شاید این‌امانه‌زوایای نه چندان مطلوب توسعه باز گردد یا دلیل دیگری داشته باشد. دلایلی که همه آنها زیر چتر انحصار بازار جمع می‌شود. یک کارشناس برنامه‌ریزی شهری در این‌باره معتقد است: برای نخستین بار در کشور میزان تولید سالانه خودرو به ۱/۵ برابر رشد سالانه جمعیت رسید. شهرام جباری‌زادگان به ایسنا می‌گوید: بر اساس آمار مرکز آمار ایران، جمعیت کشور با یک میلیون ۵۰۰ هزار نفر افزایش از ۷۴ میلیون و ۱۱۰ هزار نفر در ابتدای سال گذشته به ۷۵ میلیون و ۱۶۰ هزار نفر در ابتدای سال جدید رسیده است. این کارشناس مسایل شهری گفت: افزایش یک میلیون و ۵۰ هزار نفر جمعیت در مقایسه با تولید یک میلیون و ۶۰۰ هزار دستگاه خودرو در یک سال حکایت از این نکته دارد که میزان تولید خودرو در کشور یک‌و نیم برابر رشد جمعیت کشورمان است. جباری‌زادگان در پایان خاطر نشان کرد: افزایش بی‌رویه تولید خودرو در کشور با توجه به محدودیت‌های موجود در گسترش شبکه معابر، ضمن ایجاد ترافیک سنگین در معابر شهری، سرمایه‌های ملی کشور و نیز سرمایه‌های معنوی و مادی شهروندان را تلف کرده و از یاد مصرف سوخت و افزایش آلودگی هوا را نیز به دنبال خواهد داشت.

در آستانه شصتمین سالگرد خودکشی «صادق هدایت» در پاریس قرار است یک بسته نوستالژیک حاوی دست‌نوشته‌ها و لوازم شخصی صادق هدایت برای اولین بار در موزه رضا عباسی تهران، برای دوستانداران این غول ادبیات معاصر ایران رونمایی شود. اما این فقط یک طرف ماجرا است. در وهله اول که شمای مخاطب با این خبر روبه‌رو می‌شویی شاید خوشحال شده باشیدی، اما کمی صبر کنیذ تا انتهای این گزارش را بخوانید تا ببینید نوشته‌ها و لوازم شخصی هدایت از کجا یک‌باره سر از موزه رضا عباسی در آورده‌اند و اصلاً حال و روزشان چطور است.

در خبری که در یکی دو روز گذشته به صورت رسمی و غیررسمی منتشر شد، آمده بود شهرام حیدرآبادیان، مدیر موزه رضا عباسی از نمایش بخشی از لوازم و متعلقات شخصی صادق هدایت (چوب سیگار، عینک، بخشی از کتاب‌ها، دست‌نوشته‌ها و عکس‌های خانوادگی) که آنها را در اختیار دارد خبر داد و زمان نمایش این گنجینه موزه را تابستان سال جاری اعلام کرد. حیدرآبادیان همچنین درباره این لوازم گفت: «این لوازم به موزه رضا عباسی هدیه شده و بخشی از آنها نیز پیش از انقلاب توسط مدیران وقت خریداری شده است. «البته پیش از اینکه قرار باشد در تابستان سال جاری این آثار به نمایش گذاشته شود در سال

۱۳۸۱ به مناسبت ۱۰۰ سالگی «صادق هدایت» این متعلقات یک‌بار دیگر به نمایش گذاشته شده بودند. با تمام اینها برای پیگیری بیشتر این ماجرا را با «جهانگیر خان هدایت» در میان گذاشتیم. برادرزاده «صادق هدایت» درباره این خبر و نمایش متعلقات «صادق هدایت» گفت: «از طرف موزه رضا عباسی هیچ تماسی با ما گرفته نشده و آثار و لوازمی که قرار است به نمایش گذاشته شود همان متعلقاتی است که تقریباً ۳۰ سال است در انبار موزه رضا عباسی توقیف شده

است.» این‌طور که به نظر می‌رسد بخشی از آنچه‌از «صادق هدایت» به جامانده نزد وراث و بخش دیگر



حمید جعفری

در زیرزمین موزه رضا عباسی است. «جهانگیر هدایت» در این‌باره و آنچه در میان این وسایل آسیب دیده‌اند می‌گوید: «تمامی عکس‌ها، قسمت اعظم کارت‌پستال‌ها، نقاشی‌ها و بخشی از عینک‌ها و لوازمی مانند قیچی و چاقوی کوچک پیش ماست و مابقی این وسایل در محیطی نامناسب در موزه رضا عباسی نگهداری می‌شود. قطعاً کارت پستال‌ها و نامه‌ها آسیب دیده‌اند. حتی مطلع هستم که قالیچه‌ای که به هدایت هدیه داده شده بود و تصویر او در آن تارو بود شده بود از بین رفته است. هزار

بیشه (گنجه‌ای چوبی رو میزی) هدایت نیز به دلیل جنس‌اش باید دست‌کم سالی یک‌بار روغن کاری شود که به نظر می‌رسد تقریباً زین رفته‌باشد.»

اما این آثار چگونه سر از موزه رضا عباسی در آورد؟

«جهانگیر هدایت» در این‌باره می‌گوید: «قبل از انقلاب اسلامی این وسایل به یکی از اعضای خانواده پهلوی تحویل داده شد و طی چرخه‌ای به موزه رضا عباسی رسید.

یک بار قبل از اینکه به بهانه ۱۰۰ سالگی هدایت این آثار به نمایش گذاشته شود با بیژن جلالی (خواهرزاده هدایت) با مشکلات فراوان توانستیم از این وسایل در موزه رضا عباسی بازدید کنیم، با این حال آنچه در سال ۸۱ به نمایش گذاشته شد با آنچه ما دیدیم دچار کمی و کاستی بود. گفته

شده که این آثار از خانواده هدایت خریداری شده که اصلاً چنین چیزی صحت ندارد.» تازه این یک طرف ماجرا بود. کمی هم بشنوید از خانه «صادق هدایت». این خانه که پس از انقلاب ابتدا مهد کودک کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شد تا این روزها که از آن به‌عنوان انبار بیمارستان استفاده می‌شود. به گفته شاهدان عینی عملاً بیشتر

گنجری‌های داخلی، مفرس‌ها و نماهای بیرونی آن خراب شده است. خانه صادق هدایت در خیابان سعدی، ضلع جنوب شرقی بیمارستان امیر اعلم، خیابان شهید تقوی (خیابان هدایت) پلاک ۱۱، کنار خانه سفیر کبیر دانشمارک واقع شده است.



پلاک ۱۱، کنار خانه سفیر کبیر دانشمارک واقع شده است.

پیشهاد

تمام فصول فلسفه قاره‌ای در یک کتاب

محمد ضمیران

می‌دهد. فلسفه فمینیستی به عنوان تخرله‌ای دیگر از فلسفه قاره‌ای در این کتاب به بحث گذاشته شده است.

فلسفه زیست و بررسی آرا و نظرات فلاسفه‌ای که به موضوع زندگی می‌پردازند، همچنین فلسفه هنر و قاره‌های است که اشارات روش‌شناسی به سه پارادایم از فلسفه قاره‌ای است.

بخش نخست این کتاب به سنت قاره‌ای و بازبینی اندیشه کانت و هگل و نقش نیچه در شکل‌گیری فلسفه قاره‌ای

می‌پردازد. فصل بعدی، «درآمدی بر فلسفه قاره‌ای» به فلسفه‌آگاهی و نقش جسم آدمی در شکل‌گیری آگاهی می‌پردازد. فلسفه‌های مغایرت و دگربودگی بخش دیگر این کتاب است که در راستای بخش فلسفه آگاهی آمده است. سیاست و اخلاق در ارتباط با فلسفه دیگری، بخش دیگری از این کتاب را تشکیل می‌دهد. ارتباط فلسفه‌مارکسیسم و قاره‌ای و ارتباط روانکاوی و فلسفه فصول بعدی این کتاب را تشکیل

گلایه از بی‌توجهی به وضعیت هنرمندان، فقط به نادرده گرفتن حقوق آنها در مورد معافیت مالیاتی نیست، این روزها بعد از پیگیری این موضوع، نتائری‌ها ز نادیده گرفتن حقوق آنها از سوی دولت گلایه می‌کنند. روز گذشته، مدیرعامل خانه تئاتر ایران از پرداخت نشدن نیمی از بودجه سال گذشته (۸۹) خبر داد و گفت: «از آنجا که ۱۰۰ میلیون تومان از بودجه سال گذشته همچنان پرداخت نشده است، خانه تئاتر ۴۵ میلیون تومان بدهکار است، چرا که ما برنامه‌های سال گذشته را براساس توافق‌نامه‌ای که داشتیم اجرا کردیم و این درحالی است که نیمی از بودجه ما پرداخت نشده و این چنین است که خانه تئاتر امروز در آغاز سال جدید ۴۵ میلیون تومان بدهی دارد.»

به گفته ایرج راد، برای سال جاری پیش از این برنامه‌هایی مانند برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی، انتشار نشریات تخصصی، چاپ کتاب یا برنامه‌های دیگری مانند جلسات نقد و بررسی و... پیش‌بینی کرده بودیم، اما به دلیل کمبود بودجه از اجرای این برنامه‌ها صرف‌نظر کرده و همه توجه‌مان را بر مسایل صنفی و حقوقی متمرکز کرده‌ایم.»

عضو هیات‌مدیره خانه تئاتر هم با نگرانی‌های ایرج راد همراه می‌شود: «وزارت ارشاد، امسال بودجه پیش‌بینی شده در قانون را به این مرکز ارایه نکرد و این دقیقاً یعنی تلاش برای از بین رفتن این نهاد مدنی.»

بهزاد فراهانی، تصمیم دولت برای «قانونمند کردن فعالیت نهادهای مدنی» را قدمی مهم در محدود کردن فعالیت این نهادهای دانند.

این هنرمند، پیش از اینکه جمله دیگری را به حرف‌های خود اضافه کند، خطاب به نمایندگان مجلس بگوید: «هنر با سیاست کاری ندارد، هنر صدای جامعه است، آن را خاموش نکنید.»



گلایه هنرمندان از پرداخت نشدن بودجه خانه تئاتر

هنر صدای جامعه است

مدیرعامل خانه تئاتر هم از این موضوع ایران نگرانی کرده است: «برای سال جاری پیش از این برنامه‌هایی مانند برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی، انتشار نشریات تخصصی، چاپ کتاب یا برنامه‌های دیگری مانند جلسات نقد و بررسی و... پیش‌بینی کرده بودیم، اما به دلیل کمبود بودجه از اجرای این برنامه‌ها صرف‌نظر کرده‌ایم و همه توجه‌مان را بر مسایل صنفی و حقوقی متمرکز کرده‌ایم. اصلاً وقتی هنوز نیمی از بودجه سال گذشته پرداخت نشده، چگونه می‌توان درباره بودجه امسال صحبت کرد؟!» او با این اوصاف، آخرین تصمیمات هیات‌مدیره خانه تئاتر را هم در همین راستا بسیار محدود اعلام کرد: «برای سال جاری پیش از این برنامه‌هایی مانند برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی، انتشار نشریات تخصصی، چاپ کتاب یا برنامه‌های دیگری مانند جلسات نقد و بررسی و... پیش‌بینی کرده بودیم، اما به دلیل کمبود بودجه از اجرای این برنامه‌ها صرف‌نظر کرده‌ایم و همه توجه‌مان را بر مسایل صنفی و حقوقی متمرکز کرده‌ایم.»

عضو هیات‌مدیره خانه تئاتر هم با نگرانی‌های ایرج راد همراه می‌شود: «وزارت ارشاد، امسال بودجه پیش‌بینی شده در قانون را به این مرکز ارایه نکرد و این دقیقاً یعنی تلاش برای از بین رفتن این نهاد مدنی.»

بهزاد فراهانی، تصمیم دولت برای «قانونمند کردن فعالیت نهادهای مدنی» را قدمی مهم در محدود کردن فعالیت این نهادهای دانند.

این هنرمند، پیش از اینکه جمله دیگری را به حرف‌های خود اضافه کند، خطاب به نمایندگان مجلس بگوید: «هنر با سیاست کاری ندارد، هنر صدای جامعه است، آن را خاموش نکنید.»

پنجره

شعر آینه محرومیت است

رسول یونان



■ نمی‌توان شعر را به ده‌هاه تفکیک کرد و اصلاً تفکیک دهه‌های شعری سودی هم برای ما ندارد. خدایبامرز «بیژن جلالی» یک‌بار درباره دهه‌های شعری حرف جالبی زد. گفت، سروه شعر مایک دهه محسوب نمی‌شود و تفکیک این دهه‌ها را نمی‌شود انجام داد. من خود فکر می‌کنم حق با ایشان است و تفکیک دهه‌های شعری سودی برای ما ندارد. به نظر من، ما باید بیش تر به شعر بپردازیم تا به تاریخ آن. عموماً در کشور ما به تاریخ اهمیت می‌دهند. من با بد یا خوب آن کار ندارم؛ اما تاریخ گاه ما را وادار به بی‌انصافی با بی‌عدالتی می‌کند. وقتی ما به تاریخ‌سازی دست می‌زنیم، هر جا که کم می‌آوریم، سعی می‌کنیم چیزهایی را از ذهن خود به آن بیفزاییم. با این اوصاف، وقتی در زمینه شعر هم این کار را می‌کنیم، خواه ناخواه این اتفاق می‌افتد؛ برخی قهرمان می‌شوند و برخی شکست می‌خورند. حال آنکه من این‌گونه فکر نمی‌کنم و معتقدم کسانی که قلم به دست می‌گیرند، قابل احترام و تحسین هستند. دهه ۸۰ نیز ادامه طبیعی مسیر دهه قبل بود، با تمام معایب و محاسنش. و حالا آیا در این دهه اتفاق خاصی افتاده است یا نه، به نظر من، افتاده است. اتفاق خاص اینکه جوانانی وارد عرصه شعر شدند و شعر آفریدند. چه چیزی زیباتر از این؟ مهم‌ترین چیزی که گذر زمان به ما ثابت می‌کند، این است که شعر ملک خصوصی کسی نیست. همه می‌توانند به این باغ تشریف بیاورند و گل بکارند و گل بچینند. شعر یک رسم‌الخط رسمی نیست که همه مجبور باشند از آن پیروی کنند و هر تلاشی که در محدوده خارج از آن صورت بگیرد، به بی‌شعری و آماتور بودن متهم شود.

من با تفکیک دهه‌ها مخالف‌ام؛ ما باید بیش از آنکه به تاریخ‌سازی در ادبیات بپردازیم، به بارور شدن آن بپردازیم. درباره دهه ۷۰، مقالات و مطالب زیادی نوشته شده؛ اما آنها به درد کسی نخورده است و آن چیزی که می‌ماند، شعر و ادبیات است. امیدوارم ما بیش تر به اصل بپردازیم؛ نه به حاشیه‌ها. جواد ترابی، شاعر ترک، شعری دارد که می‌گوید: «بیباید به جای آنکه حرف شعر را بزیم، خود شعر را بگوییم.» من فکر می‌کنم حق با اوست. من همیشه این حرف‌و را اویزه گوشم می‌کنم.

در دهه‌های پیش نیز موضوع رویکرد مخاطبان به ترجمه شعر مطرح بوده است و به نظر من، در دهه ۸۰، پیش‌تر از گذشته نبوده؛ اما این بسیار خوب است که ما بتوانیم با آرای شعری دیگر سرزمین‌ها هم آشنا بشویم. وقتی جدیدترین موبایل‌ها، فرهای تولید در بازار ایران توزیع می‌شوند، چرا شعر و داستان این گونه نباشد؟ کاش ادبیات ما هم به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شد؛ چرا که این به دوستی‌ها و باوروی می‌افزاید.

شعر آینه محرومیت است؛ این شعار نیست. وقتی اندوه زیاد باشد، استقبال از شعر هم زیاد می‌شود؛ اما امید که هیچ اندوهی نباشد و شعر هم دیگر آینه اندوه نباشد. من دوست دارم شاعران و خودم از امید و شادی زیادت‌ر حرف بزیم؛ چون اندوه باردار ندگی دارد و همین‌طور عقبه‌ماندگی.

کوشه

میناتورهای «لاله اسکندری» این‌بار در پل رسالت

■ نصب بخش دوم از سومین نقاشی دیواری لاله اسکندری با الهام از میناتورهای ایرانی و با تکنیک موزاییک‌های شکسته تا پایان فروردین‌ماه در اتوبان «مدرس»، تقاطع پل «رسالت» تمام می‌شود. به گزارش ایسنا، ضلع شرقی دیواری که درست‌تر زیر پل رسالت قرار گرفته است، این روزها با موزاییک‌هایی که خاطره‌ای از میناتورهای ایرانی را یادآوری می‌کند، رنگین می‌شود. مهر ماه سال گذشته نیز ضلع غربی این پل با طرح دیگری مزین و رونمایی شد و بخش‌های دوم این نقاشی دیواری نیز در حال کامل شدن است. لاله اسکندری -طراح این نقاشی دیواری- به ایسنا توضیح داد: بخش پایین از حاشیه کار هنوز باقی مانده و امیدوارم تا پایان فروردین ماه کار نصب آن به اتمام برسد. او درباره طراحی این دیوار و تشابه آن با دیوار روبه‌روی آن گفت: در این کار نیز برای ایجاد هماهنگی با همان فضای میناتور ایرانی و سبمل‌های ایرانی بهره گرفته‌ایم و حاشیه طرح با همان رنگ‌بندی کار شده است، اما تلاش کرده‌ایم از رنگ‌های متفاوتی در طرح بهره بگیریم. در این اثر چوگان بازی و سوار کاری را به تصویر کشیده‌ایم.